

صص: ۱۰۶-۸۹

پیش بینی اختلالات هیجانی براساس سبک های دفاعی در زنان مراجعه کننده به بخش روانشناسی مرکز بهداشت دانشگاه علوم پزشکی اصفهان در سال ۱۳۹۴

Prediction of emotional disorders based on defense styles in the clients of Health Center of Isfahan University of Medical Sciences in 2016

سپیده کیانزاد

کارشناس ارشد روانشناسی بالینی، دانشگاه اصفهان، انجمن مطالعات فرهنگی

Sepideh Kiyanzad

Isfahan University, sep.kiyanzad@yahoo.com

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی پیش بینی اختلالات هیجانی براساس سبک های دفاعی در زنان مراجعه کننده به بخش روانشناسی مرکز بهداشت بود. جامعه ی آماری پژوهش حاضر شامل کلیه ی مراجعه کنندگان به بخش روانشناسی مرکز بهداشت شهر اصفهان بود که از میان آن ها تعداد ۱۱۰ نفر به شیوه ی نمونه گیری در دسترس به عنوان نمونه ی پژوهش، انتخاب شدند. پرسشنامه ی سبک های دفاعی (DSQ) و مقیاس افسردگی - اضطراب - استرس (DASS)، به عنوان ابزار پژوهش مورد استفاده قرار گرفت. داده ها توسط تحلیل رگرسیون گام به گام تحلیل شد. نتایج نشان داد که افسردگی و استرس به طور معناداری بر اساس سبک های دفاعی ر شدیافته و ر شدنیافته، پیش بینی می شوند، اما پیش بینی اضطراب، معنی دار نمی باشد ($P < 0/05$). تبیین های احتمالی نتایج، مورد بحث قرار گرفته است.

واژه های کلیدی: سبک های دفاعی، علائم روانشناختی، مراجعین سرپایی، زنان

Abstract

The purpose of this study was to investigate prediction of emotional disorders based on defense styles in the clients of Health Center. The statistical population of this study were all of the clients of Isfahan Health Center among whom 110 people selected through convenience sampling as the sample of the study. Defense Styles Questionnaire (DSQ) and Depression-Anxiety-Stress Scale (DASS) were used as the instruments of the study. The data analyzed by stepwise regression analysis. The results showed that depression and stress predicted significantly based on mature and immature defense styles, but the prediction of anxiety is not significant ($P < 0.05$). Probable explanations have been discussed.

Keywords: defense styles, psychological symptoms, outpatient clients, women

مقدمه

همه ی افراد در زندگی روزمره ی خود، به میزان مختلف، از راهبردهای روانشناختی گوناگونی برای اجتناب از افکار، تکانه ها و احساسات نامقبول یا ناخوشایند خود، استفاده می کنند تا در مقابل اضطراب ناشی از این موارد، از خود محافظت کنند. فروید اولین کسی بود که برای این راهبردهای ناهشیار، از اصطلاح مکانیزم های دفاعی، یا مکانیزم های دفاعی ایگو^۱ استفاده کرد (هالچین و ویتبورن، ۲۰۰۴، ترجمه ی سیدمحمدی، ۱۳۹۰). مکانیزم های دفاعی، به خودی خود، راهبردهای ناسالمی محسوب نمی شوند و به افراد کمک می کنند تا به طور ناهشیار، از بروز و تحمل اضطراب های بیش از حد، جلوگیری کنند و به اصطلاح رویکرد روانکاوی، از فروپاشی ایگو، پیشگیری نمایند (کری، ۲۰۰۵، ترجمه ی سیدمحمدی، ۱۳۹۱). فروید، مکانیزم های دفاعی مختلفی را مطرح کرد که علی رغم وجوه تمایز بسیار، همگی دارای دو ویژگی مشترک هستند: ۱- تحریف واقعیت ۲- کارکرد ناهشیار (شولتز و شولتز، ۲۰۰۶، ترجمه ی سیدمحمدی، ۱۳۹۳). بویژه کارکرد دوم مکانیزم های دفاعی، امروزه بسیار مورد توافق نظر قرار دارد. این مکانیزم ها چه در جهت مثبت و سالم و چه در جهت منفی و مخرب، همگی خارج از حوزه ی هشیاری فرد، عمل می کنند و به همین دلیل، افراد نسبت به کارکرد و فرآیند آن ها در نظام روانی- رفتاری خود، آگاه نیستند (فیرس و ترال، ۲۰۰۲، ترجمه ی فیروزبخت، ۱۳۹۲). بنابراین مکانیزم های دفاعی، حد واسطی بین جهان ناهشیار و جهان واقعی افراد هستند و به نوعی به حفظ تعادل و سازش بین انگیزه ها و تمایلات ناهشیار و اقتضائات جهان واقعی، کمک می نمایند (استانسو و موروسانو، ۲۰۰۵). با اینحال، نباید مفهوم مکانیزم های دفاعی را با مفهوم مقابله یا مکانیزم های مقابله ای، اشتباه گرفت. مکانیزم های مقابله ای درواقع فرآیندهایی هشیارانه، عامدانه و متناسب با موقعیت های خاص هستند که غالباً با پیامدهای روانشناختی مثبت در ارتباط می باشند، اما مکانیزم های دفاعی، ناهشیار،

¹ ego defence mechanisms

² Stanescu & Morosanu

پیش بینی اختلالات هیجانی براساس سبک های دفاعی در زنان مراجعه کننده به بخش روانشناسی ...

غیرعامدانه و فراگیر بوده و می توانند با مسائل و مشکلات سلامت روان هم در ارتباط باشند. از اینرو برخلاف مکانیزم های مقابله ای که معمولاً در حوزه ی سلامت روان مطرح شده و به عنوان یک مهارت، تلقی می شوند، مکانیزم های دفاعی را باید برحسب تأثیری که بر سلامت روان دارند، به انواع مختلفی تقسیم بندی کرد (کرامر، ۲۰۰۰).

اندروز، سینگ و باند^۱ (۱۹۹۳)، بر اساس طبقه بندی سلسله مراتبی ارائه شده توسط وایلنت^۲، در مورد مکانیزم های دفاعی، این مکانیزم ها را در سه سبک کلی رشدیافته، روان رنجور^۳ و رشدنیافته^۴ طبقه بندی کردند. مکانیزم های دفاعی رشد یافته، به لحاظ کارکرد و پیامدهای روان شناختی، سازگارانه، بهنجار و کارآمد، تلقی می گردند. در حالیکه شیوه های روان رنجور و رشدنیافته، شیوه های نابهنجار و ناکارآمد تلقی می شوند که تأثیراتی منفی بر سلامت روان، به همراه خواهند داشت. مبانی نظری روانپویشی و بعضی از پژوهش های انجام شده نیز این موضوع را تأیید می کنند که میزان رشدیافتگی دفاع می تواند پیش بین مهمی در سلامت افراد باشد (هی و ویلیامز، ۲۰۱۳). سبک دفاعی رشد یافته، در واقع در بردارنده ی مکانیزم هایی است که اگرچه همگی ناهشیار بوده و تا حد خفیفی با تحریف واقعیت همراه هستند، اما جنبه ی سازگارانه داشته و مانع مواجهه ی مستقیم فرد با سطوح بالای اضطراب می گردد، مخصوصاً زمانی که فرد آمادگی چنین مواجهه ای را ندارد. سبک دفاعی روان رنجور، بیشتر به آن دسته از مکانیزم های دفاعی اشاره دارد که در روابط بین فردی بروز یافته و با تحریف زیاد واقعیت همراه هستند. سبک های دفاعی رشدنیافته نیز با تحریف بالای واقعیت همراه هستند ولی بیشتر فردی و درون شخصی می باشند و نسبت به

1 Cramer

2 Andrews, Singh & Bond

3 Vaillant

4 mature

5 neurotic

6 immature

7 Hay & Williams

سبک روان‌رنجور از درجه ی ناسازگاری کمتری برخوردارند (نیکولاس، ساندال، ویس و یوسوپوا، ۲۰۱۳). نتایج بعضی از پژوهش‌ها نشانگر آن بوده است که اختلالات خلقی و اضطرابی، می‌توانند با میزان بالاتر دفاع‌های رشدنیافته و روان‌رنجور و میزان پایین‌تر دفاع‌های رشدیافته همراه باشند، به طوریکه مشاهده شده است که پس از درمان، میزان مکانیزم‌های رشد یافته در افراد مبتلا به این اختلالات، بالاتر رفته و میزان مکانیزم‌های دفاعی رشد نیافته و روان‌رنجور، پایین‌تر آمده است (فلت، بسر و هویت، ۲۰۰۵).

اختلالات اضطرابی و خلقی، رایجترین اختلالات روانشناختی محسوب می‌شوند که امروزه درصد بالایی از شیوع را در جوامع مختلف به خود اختصاص می‌دهند و معمولاً در گزارش‌های اعلام شده، در جمعیت زنان بیش از مردان، گزارش می‌شوند (انجمن روانپزشکی آمریکا، ۲۰۱۳). در بین اختلالات و ناراحتی‌های مختلف خلقی و اضطرابی، معمولاً سه مفهوم اضطراب، افسردگی و استرس، بیش از همه جلب توجه می‌کند و همواره مورد تأکید پژوهش‌های مختلف قرار داشته است (صاحبی، اصغری و سالاری، ۱۳۸۴). افسردگی، به مجموعه‌ای از احساسات غم، پوچی و خلق تحریک پذیر اشاره دارد که با تغییرات شناختی و بدنی همراه بوده و به طور معناداری توانایی و عملکرد فرد را تحت تأثیر قرار می‌دهد (انجمن روانپزشکی آمریکا، ۲۰۱۳). افسردگی یکی از شایع‌ترین اختلالات روانی است که افراد مبتلا به آن، معمولاً نشانه‌هایی همچون گریه، ناامیدی، احساس گناه داشته و احساس اضطراب و تنش می‌کنند. لذت بردن از زندگی و علاقمند شدن به انجام کارهای روزمره، برای این افراد، دشوار می‌گردد. انرژی کم می‌شود و انجام هرچیزی به نظر، کاری غیرممکن می‌رسد (فلت، ۱۹۹۰، ترجمه ی قاسم زاده، ۱۳۸۹). یکی از شایع‌ترین اختلالاتی که معمولاً با خلق افسرده همراه می‌باشد، اضطراب است (سادوک و سادوک، ۲۰۰۷، ترجمه ی رضاعی، ۱۳۹۰).

¹ Nicolas, Sandal, Weiss & Yusupova

² Flett, Besser & Hewitt

³ American Psychiatric Association

پیش بینی اختلالات هیجانی براساس سبک های دفاعی در زنان مراجعه کننده به بخش روانشناسی ...

اختلالات اضطرابی، امروزه جزء شایع ترین اختلالات روانشناختی قلمداد می گردند (دادستان، ۱۳۹۰). به طور کلی، اضطراب، مستلزم مفهوم نایمنی یا تهدیدی است که فرد منبع آن را به وضوح درک نمی کند. به عبارتی اضطراب، ترسی است با منبع نامشخص یا نسبتاً نامشخص گرچه امکان وجود همزمان ترس مرضی و اختلالات اضطرابی در یک فرد وجود دارد (سادوک و سادوک، ۲۰۰۷، ترجمه ی رضاعی، ۱۳۹۰). استرس نیز یکی دیگر رایجترین و شناخته شده ترین مفاهیم مرتبط با اختلالات خلقی و اضطرابی است.

مفهوم استرس، اولین بار در سال ۱۹۴۰ توسط هانس سلیه به صورت مشخص و کاملاً علمی وارد مباحث روانشناسی شد (دی کورسیا، سرویش و کرونیچ، ۲۰۱۲). استرس به معنی فشار و برانگیختگی روانی - فیزیولوژیک در برابر تهدیدهای ادراک شده ای است که تعادل حیاتی موجود زنده را به خطر می اندازد. این واکنش، یک واکنش بهنجار در انسان است که می تواند منجر به بقای انسان گردد، اما هنگامی که از حدطبیعی و واقع بینانه ی خود خارج شود، در طولانی مدت، منجر به فرسایش روانی - فیزیولوژیک خواهد شد (دیماتو، ۱۹۹۱، ترجمه ی کاویانی، موسوی اصل و سالاری فر، ۱۳۸۹).

ارتباط بین مکانیزم های دفاعی و ناراحتی های خلقی و هیجانی و حالات مرتبط با آن ها، تاکنون در پژوهش هایی مورد بررسی قرار گرفته است. کینگ، تیلور، آلبرایت و هاسکل^۲ (۱۹۹۰)، در پژوهش خود نشان دادند که سبک های مقابله ای دفاعی رشدنیافته با فشار خون بالا رابطه ی مثبت دارد. بشارت (۱۳۸۷)، در پژوهش خود به رابطه ی منفی بین سبک دفاعی رشد یافته با نارسایی هیجانی و روابط مثبت بین سبک های دفاعی رشد نیافته و روان رنجور با نارسایی هیجانی، دست یافت. نامجو، کافی، حکیم جواد، غلامعلی لواسانی و آتشکار (۱۳۹۱)، در پژوهش خود نشان دادند که سبک های دفاعی رشدنیافته و روان رنجور به طور مثبت و سبک دفاعی رشد یافته به

¹ DiCorcia, Sravish & Tronick

² King, Taylor, Albright & Haskell

طور منفی با افسردگی در ارتباط است. در پژوهش کچویی، پارسا و سویزی (۱۳۹۳)، نشان داده شد که افراد افسرده نسبت به افراد غیرافسرده دارای سطوح بالاتری از سبک های دفاعی رشد نیافته و روان رنجور هستند.

اگرچه تاکنون چه به لحاظ نظری و چه به لحاظ پژوهشی، ارتباط بین سبک های دفاعی با ناراحتی های مختلف سلامت روان، مورد بررسی قرار گرفته است، اما این حیطه مخصوصاً با در نظر گرفتن انواع سبک های دفاعی، هنوز نیاز به پژوهش های بیشتری دارد، مخصوصاً با توجه به اینکه بیشتر پژوهش هایی که نقش انواع مکانیزم های دفاعی را به لحاظ رشد یافتگی، روان رنجوری و رشدنیافتگی، متمایز کرده اند، بیشتر به موضوعات مرتبط با اختلالات خلقی پرداخته اند و اختلالات اضطراب و استرس، کمتر مورد توجه قرار گرفته اند. براساس جستجوی پژوهشگر این پژوهش، پژوهشی که به طور دقیق به بررسی رابطه ی بین انواع سبک های دفاعی با سه مفهوم مهم اضطراب، افسردگی و استرس پرداخته باشد، یافت نشد. به علاوه در پژوهش های انجام شده، یا جمعیت بالینی خاص مثل افراد افسرده، مورد توجه بوده و یا اینکه پژوهش ها در جمعیت های بهنجار انجام شده است و پژوهشی که یک جمعیت بالینی عمومی را مورد بررسی قرار داده باشد، یافت نشد. از اینرو، بررسی ارتباط انواع سبک های دفاعی، با هریک از اختلالات اضطراب، افسردگی و استرس، به طور جداگانه، ضروری به نظر می رسد. این موضوع بویژه در جمعیت مراجعه کنندگان به مراکز بهداشت، بسیار حائز اهمیت بوده و می تواند در برنامه ریزی های خدمات درمانی طرح جامع سلامت که در دست برنامه ریزی و اجرا در این جمعیت می باشد، به عنوان یک پژوهش بنیادی، مثمر ثمر باشد. بنابراین هدف پژوهش حاضر بررسی پیش بینی افسردگی، اضطراب و استرس، براساس سبک های دفاعی رشدیافته، رشد نیافته و روان رنجور در مراجعه کنندگان به بخش روانشناسی مرکز بهداشت دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، می باشد.

پیش بینی اختلالات هیجانی براساس سبک های دفاعی در زنان مراجعه کننده به بخش روانشناسی ...

روش

طرح پژوهش حاضر از نوع توصیفی- همبستگی بود. جامعه ی آماری پژوهش حاضر را کلیه ی مراجعه کنندگان به خدمات روانشناسی مرکز بهداشت دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، در سال ۱۳۹۴ تشکیل می دادند که از بین آن ها تعداد ۱۱۰ نفر که برای شرکت در پژوهش، رضایت آگاهانه داشتند، به روش نمونه گیری غیرتصادفی در دسترس انتخاب و به پرسشنامه های پژوهش پاسخ دادند. با توجه به دشواری در دسترسی به لیست ثابتی از مراجعین مرکز بهداشت، شیوه ی نمونه گیری این پژوهش از نوع در دسترس انتخاب شد. همچنین از آنجا که در طرح های رابطه ای، حداقل تعداد آزمودنی بالای صد نفر در نظر گرفته می شود (شواخر و لومکس، ۲۰۰۴، ترجمه ی قاسمی، ۱۳۸۸). در این پژوهش حجم نمونه، ۱۱۰ نفر در نظر گرفته شد. پرسشنامه ی سبک های دفاعی و مقیاس افسردگی، اضطراب و استرس، به عنوان ابزارهای پژوهش، مورد استفاده قرار گرفتند.

معیار ورود در پژوهش عبارت بود از رضایت آگاهانه برای شرکت در پژوهش و عدم تشخیص عقب ماندگی ذهنی یا اختلالات روانپریشی. معیار خروج از پژوهش نیز عدم تکمیل کامل پرسشنامه ها در نظر گرفته شد. استلزامات اخلاقی این پژوهش نیز شامل محرمانه ماندن هویت مراجعین و ارائه ی اطلاعات کافی در مورد ماهیت پژوهش و جلب رضایت آگاهانه ی شرکت کنندگان بود.

پرسشنامه ی سبک های دفاعی (DSQ)^۱: این پرسشنامه در سال ۱۹۹۳ توسط اندروز و همکاران ساخته شده است. این مقیاس، یک پرسشنامه ی چهل آیتمی است که به صورت لیکرت ۹ درجه ای نمره گذاری می شود. این پرسشنامه، سه سبک دفاعی رشدیافته، روان رنجور و رشدنیافته را می سنجد. پرسشنامه ی سبک های دفاعی در ایران مورد بررسی قرار گرفته و ویژگی های روانسنجی آن تأیید شده است. در پژوهش بشارت (۱۳۸۷)، ضرایب پایایی این ابزار به شیوه ی آلفای کرونباخ برای سه سبک

¹ Defense Styles Questionnaire

رشدیافته، رشدنیافته و روان رنجور، به ترتیب عبارت بود از ۰/۷۵، ۰/۷۳ و ۰/۷۴. همچنین روایی عاملی این ابزار نیز در پژوهش حیدری نسب و شعیری (۱۳۹۰)، تأیید شده است.

مقیاس اضطراب- افسردگی- استرس^۱ (DASS): مقیاس افسردگی، اضطراب و استرس در سال ۱۹۹۵ توسط لایونند و لایونند آدوین شد. این پرسشنامه، شامل ۲۱ عبارت است که به صورت لیکرت ۴ درجه ای نمره گذاری می شوند. هریک از مؤلفه های افسردگی، اضطراب و استرس، ۷ آیتم را به خود اختصاص می دهند. لایونند و لایونند (۱۹۹۵)، به نقل از صاحبی و همکاران، (۱۳۸۴)، نشان دادند که اعتبار بازآزمایی برای زیر مقیاس های فرعی، به ترتیب ۰/۷۱ برای افسردگی، ۰/۸۱ برای استرس و ۰/۷۹ برای اضطراب به دست آمد. برای روایی مقیاس نیز ضرایب همبستگی با پرسشنامه های اضطراب و افسردگی یک به ترتیب ۰/۸۱ و ۰/۷۴ به دست آمد. ویژگی های روانسنجی این مقیاس در ایران توسط صاحبی و همکاران (۱۳۸۴)، مورد بررسی قرار گرفت که پایایی آن از طریق همسانی درونی و روایی آن با استفاده از تحلیل عاملی و اعتبار ملاکی با اجرای همزمان آزمون های افسردگی یک، اضطراب زانگ و تنیدگی ادراک شده بررسی شد. همبستگی بین زیر مقیاس افسردگی DASS با آزمون افسردگی یک ۰/۷۰، زیر مقیاس اضطراب با آزمون اضطراب زانگ،^۲ ۰/۶۷ و زیر مقیاس استرس با آزمون تنیدگی ادراک شده ۰/۴۹ بودند. همسانی درونی مقیاس های DASS با استفاده از آلفای کرونباخ محاسبه شد و این نتایج به دست آمد: مقیاس افسردگی ۰/۷۷، مقیاس اضطراب ۰/۷۹ و مقیاس تنیدگی برابر با ۰/۷۸ بود.

جهت تحلیل داده ها از نسخه ی ۲۱ نرم افزار SPSS و شاخص های آماری میانگین، انحراف استاندارد، ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون گام به گام استفاده شد. با توجه به فاصله ای بودن مقیاس های اندازه گیری، عدم معناداری آزمون

¹ Depression-Anxiety-Stress Scale

² Lavybvnd & Lavybvnd

³ Zung

پیش بینی اختلالات هیجانی براساس سبک های دفاعی در زنان مراجعه کننده به بخش روانشناسی ...

شاپیرو- ویلک ($P > 0/05$)، و مقادیر نزدیک به ۱، در شاخص تورم واریانس، پیشفرض های لازم جهت استفاده از تحلیل رگرسیون گام به گام، فراهم بود.

یافته ها

با توجه به اینکه بسیاری از آزمودنی ها از تکمیل اطلاعات جمعیت شناختی، امتناع کرده بودند، این شاخص ها در تحلیل داده ها مورد بررسی قرار نگرفت. میانگین و انحراف استاندارد نمرات آزمودنی ها در متغیرهای پژوهش به همراه ماتریس همبستگی روابط بین متغیرها در جدول ۱ ارائه شده است

جدول ۱. ماتریس همبستگی بین متغیرهای پژوهش

	۱	۲	۳	۴	۵	۶
۱. اضطراب	۱					
۲. استرس	۰/۷۷**	۱				
۳. افسردگی	۰/۷۷**	۰/۵۵**	۱			
۴. سبک دفاعی	۰/۲۹	۰/۱۹	۰/۱۵	۱		
۵. سبک دفاعی	۰/۲۹	۰/۱۹	۰/۱۵	۰/۱۲	۱	
۶. رشد یافته	۰/۱۷	۰/۱۳	۰/۰۵	۰/۰۷	۰/۰۷	۱

۱	**	**	/۱۱	/۴۸	/۲۶	۰۳	/۹۶	سبک دفاعی	۶
			-۰	-۰	-۰	۷/	۳۴	روان رنجور	

همانطور که در جدول ۱ ملاحظه می شود، ضریب همبستگی پیرسون بین اضطراب با استرس و افسردگی، بین استرس با افسردگی و سبک دفاعی رشد نیافته، بین افسردگی با سبک دفاعی رشد یافته، بین سبک دفاعی رشد یافته با سبک دفاعی روان رنجور و همینطور بین سبک دفاعی رشد نیافته و سبک دفاعی روان رنجور، در جهت مثبت، معنادار می باشد ($P < 0/05$). بین متغیر استرس و سبک دفاعی رشد یافته نیز رابطه ی منفی و معنادار وجود دارد ($P < 0/05$). جهت بررسی پیش بینی افسردگی، براساس سبک های دفاعی، از روش تحلیل رگرسیون گام به گام استفاده شد که نتایج آن در جدول ۲، ارائه شده است.

جدول ۲. نتایج تحلیل رگرسیون گام به گام جهت بررسی پیش بینی افسردگی بر اساس سبک های دفاعی

Sig	t	Beta	Sig	F	R ²	R	متغیر ملاک	متغیر پیش بین
۰/۰۰۲	-۳/۱۸	-۰/۲۹	۰/۰۰۲	۱۰/۱۱	۰/۰۸	۰/۲۹	افسردگی	سبک دفاعی رشد یافته
۰/۰۱۴	۲/۴۹	۰/۲۲	۰/۰۰۰	۸/۴۱	۰/۱۳	۰/۳۶		سبک دفاعی رشد نیافته

نتایج جدول ۲ نشان می دهد که در مرحله ی اول، سبک دفاعی رشد یافته و در مرحله ی دوم، سبک دفاعی رشد نیافته وارد معادله ی رگرسیون شده است و قدرت پیش بینی را به طور معناداری افزایش داده است. متغیر سبک دفاعی روان رنجور، از معادله حذف گردیده است. این موضوع نشان می دهد که سبک دفاعی روان رنجور، نتوانسته است

پیش بینی اختلالات هیجانی براساس سبک های دفاعی در زنان مراجعه کننده به بخش روانشناسی ...

قدرت پیش بینی را به طور معنی داری بالا ببرد. جهت رگرسیون برای متغیر سبک دفاعی رشد یافته، منفی می باشد و نشان می دهد با کاهش سبک دفاعی رشد یافته، افزایش افسردگی، و با افزایش سبک دفاعی رشد یافته، کاهش افسردگی، مورد انتظار است. جهت رگرسیون برای متغیر سبک دفاعی رشد نایافته، مثبت است، یعنی انتظار می رود با افزایش سبک دفاعی رشد نایافته، افزایش افسردگی و با کاهش سبک دفاعی رشد نایافته، کاهش افسردگی مشاهده شود.

جهت پیش بینی اضطراب براساس سبک های دفاعی، از تحلیل رگرسیون گام به گام استفاده شد ولی هیچ یک از سبک های دفاعی، وارد معادله نشد. این نتایج نشان می دهند که در جمعیت مورد بررسی، هیچ یک از سبک های دفاعی نتوانسته اند به طور معناداری اضطراب آزمودنی ها را پیش بینی نمایند.

نتایج تحلیل رگرسیون گام به گام جهت بررسی پیش بینی استرس براساس سبک های دفاعی، در جدول ۳ ارائه شده است

جدول ۳. نتایج تحلیل رگرسیون گام به گام جهت بررسی پیش بینی استرس بر اساس سبک دفاعی

Sig	t	Beta	Sig	F	R ²	R	متغیر پیش بین	متغیر ملاک
۰/۰۰۷	۲/۷۵	۰/۲۵	۰/۰۰۷	۷/۶۱	۰/۰۶	۰/۲۵	سبک دفاعی رشد نایافته	استرس
۰/۰۱۲	-۲/۵۵	-۰/۲۳	۰/۰۰۱	۷/۲۷	۰/۱۲	۰/۳۴		

نتایج جدول ۳ نشان می دهد که در مرحله ی اول، سبک دفاعی رشد نایافته و در مرحله ی دوم، سبک دفاعی رشد یافته، وارد معادله ی رگرسیون شده است و قدرت پیش بینی را به طور معناداری افزایش داده است. متغیر سبک دفاعی روان رنجور، از معادله حذف گردیده است. این موضوع نشان می دهد که سبک دفاعی روان رنجور، نتوانسته است

قدرت پیش بینی را به طور معنی داری افزایش دهد. جهت رگرسیون، برای متغیر سبک دفاعی رشد نیافته، مثبت است و انتظار می رود با افزایش سبک دفاعی رشد نیافته، افزایش استرس و با کاهش سبک دفاعی رشد نیافته، کاهش استرس، مشاهده شود. جهت رگرسیون برای متغیر سبک دفاعی رشد یافته، منفی می باشد و نشان می دهد که با کاهش سبک دفاعی رشد یافته، افزایش استرس و با افزایش سبک دفاعی رشد یافته، کاهش استرس، مورد انتظار است.

نتیجه گیری

نتایج پژوهش حاضر، بیانگر پیش بینی معنادار افسردگی و استرس، براساس سبک های دفاعی رشد یافته و رشد نیافته بود. این یافته با یافته های پژوهش کجویی و همکاران (۱۳۹۳)، مبنی بر ارتباط افسردگی با سبک دفاعی رشد نیافته، همسو می باشد. منتها در پژوهش مذکور، نشان داده شده بود که سبک دفاعی روان رنجور نیز در افراد افسرده، بالاتر از افراد عادی است ولی در این پژوهش، این سبک دفاعی، نتوانسته بود به طور معناداری نمرات افسردگی آزمودنی ها را پیش بینی نماید. شاید یکی از دلایل این تفاوت، در ماهیت جمعیت مورد بررسی در دو پژوهش باشد، زیرا در پژوهش کجویی و همکاران (۱۳۹۳)، فقط افراد افسرده مورد بررسی قرار گرفته و با افراد غیرافسرده، مقایسه شده بودند، اما جمعیت پژوهش حاضر، متشکل از افرادی بود که دارای پرونده در بخش روانشناسی مرکز بهداشت بودند و دارای مسائل و مشکلات مختلف و گوناگون سلامت روان بودند. این یافته ی پژوهش حاضر همچنین با نتایج نامجو و همکاران (۱۳۹۱)، مبنی بر رابطه ی مثبت بین سبک دفاعی رشد نیافته با افسردگی و رابطه ی منفی سبک دفاعی رشد یافته با افسردگی، همسو می باشد ولی برخلاف پژوهش مذکور، در این پژوهش، سبک دفاعی روان رنجور نتوانست به طور معناداری افسردگی آزمودنی ها را پیش بینی نماید. در مورد پژوهش نامجو و همکاران (۱۳۹۱) نیز می توان به ناهمگنی جمعیت های تحت بررسی اشاره کرد. در آن پژوهش، جمعیت تحت بررسی، دانشجویان بهنجار بوده اند در حالیکه جمعیت تحت بررسی در این

پیش بینی اختلالات هیجانی براساس سبک های دفاعی در زنان مراجعه کننده به بخش روانشناسی ...

پژوهش، یک جمعیت بالینی بوده است. یافته ی دیگر پژوهش حاضر، پیش بینی معنادار استرس براساس سبک دفاعی رشدیافته، به طور منفی و براساس سبک دفاعی رشدنا یافته، به طور مثبت بود. در این زمینه، پیشینه ی پژوهشی کاملاً مشابهی یافت نشد، اما می توان این نتایج را با نتایج پژوهش کینگ و همکاران (۱۹۹۰) مبنی بر رابطه ی مثبت سبک های دفاعی رشد نایافته با سطوح بالای فشار خون (به عنوان شاخصی جسمی از استرس) همسو دانست.

در تبیین یافته های همسو با پیشینه ی پژوهشی، می توان گفت سبک های دفاعی رشد نایافته، همانگونه که در مبانی نظری روان تحلیل گری مطرح شده و در پژوهش های مختلف نیز به تأیید رسیده است (شولتز و شولتز، ۲۰۰۶، ترجمه ی سیدمحمدی، ۱۳۹۳)، در بلندمدت، منجر به انباشته شدن بیش از حد تنش های ناهشیار شده و سلامت روانی و حتی جسمانی فرد را دچار مشکل می کنند. در مبانی نظری، چه در جایگاه پیشگیری و چه در جایگاه درمان، مفهوم مقابله یکی از مفاهیم اساسی برای پیشگیری از مشکلات هیجانی محسوب می گردد (مارک و اسمیت، ۲۰۱۲). مفهوم مقابله برخلاف مکانیزم های دفاعی، بویژه مکانیزم های دفاعی رشدنا یافته، فرآیندی کاملاً هشیار و آگاهانه است. بنابراین منطقی است که هرچقدر که رویکرد و مواجهه ی هشیار فرد، نسبت به مسائل خود، کمتر باشد، احتمال اینکه بتواند به طور مؤثری از مکانیزم های مقابله ای استفاده کند نیز کمتر خواهد بود. مکانیزم های دفاعی رشد نایافته، همانگونه که در بخش مقدمه نیز اشاره شد، با تحریف قابل توجه واقعیت همراه هستند. در واقع هنگامی که میزان این مکانیزم ها در افراد بالا باشد، آن ها به جای درگیری با مسائل واقعی خود، از راهکارهایی همچون انکار، بهانه تراشی و سایر مکانیزم های دفاعی ناپخته ای استفاده می کنند که تا حد زیادی واقعیات موجود را تحریف کرده و از یک سو مانع به کارگیری مهارت های مقابله ای مؤثر شده و از سوی دیگر، امکان حل مسئله را از فرد، سلب می نماید.

¹ Mark & Smith

در این پژوهش، علی رغم اینکه دو اختلال استرس و افسردگی، به طور معناداری توسط سبک های دفاعی، پیش بینی شد، هیچیک از سبک های دفاعی، قادر به پیش بینی معنادار اضطراب نبود. این درحالی است که نتایج همبستگی های ساده نشان داد که اضطراب، همبستگی بالایی با دو متغیر استرس و افسردگی در آزمودنی های تحت بررسی داشته است. این یافته ها این احتمال را مطرح می سازد که شاید در این میان، لازم است نقش متغیرهای میانجی در نظر گرفته شود. به عبارت دیگر، این احتمال وجود دارد که سبک های دفاعی، بواسطه ی متغیرهایی دیگر همچون افسردگی و استرس بتوانند در این جمعیت، میزان اضطراب آزمودنی ها را نیز پیش بینی نمایند اما با حذف نقش میانجی گرانه ی این متغیرها، رابطه ی معناداری به دست نمی آید. براساس پیشینه ی نظری، اضطراب یک هیجان جدانشدنی از مکانیزم های دفاعی است (دادستان، ۱۳۹۰)، با اینحال نتایج پژوهش حاضر نشان می دهد که حداقل در جمعیت تحت بررسی این پژوهش، به نظر می رسد هنگامی که نقش سبک های دفاعی در مسائل هیجانی مطرح می شود، مفاهیم اضطراب، افسردگی و استرس، مفاهیمی جدانشدنی قلمداد می شوند و احتمالاً در تأثیر سبک های دفاعی بر هریک از این هیجانات، دو مفهوم دیگر می توانند به عنوان متغیرهای میانجی مطرح شوند. با اینحال این موضوع، نیازمند بررسی های بیشتر در پژوهش های آتی است.

و بالاخره در تبیین این موضوع که سبک دفاعی روان رنجور نتوانست هیچ یک از سه متغیر اضطراب، افسردگی و استرس را پیش بینی نماید، می توان این تبیین احتمالی را مطرح کرد که جمعیت مورد بررسی در این پژوهش، به مسائل شدید روانپزشکی و روانشناختی مبتلا نبودند و همگی مراجعین سرپایی محسوب می شدند که خیلی از آن ها ضمن دریافت درمان های پزشکی به روانشناس ارجاع داده شده بودند. همانطور که در یافته های توصیفی در بخش یافته ها نیز ملاحظه شد، میزان سبک دفاعی روان رنجور در این افراد نسبت به سایر سبک های دفاعی، در حد پایین تری بود. در حالیکه میزان سبک دفاعی رشدنیافته در آنان بسیار بالا بود. بنابراین این یافته را می توان با توجه به ماهیت جمعیت تحت بررسی، تبیین نمود.

پیش بینی اختلالات هیجانی براساس سبک های دفاعی در زنان مراجعه کننده به بخش روانشناسی ...

از جمله محدودیت های مهم پژوهش حاضر، می توان به عدم وارد کردن برچسب های تشخیصی اعضای نمونه در تحلیل داده ها و عدم استفاده از روش های نمونه گیری تصادفی اشاره کرد. پیشنهاد می شود در پژوهش های آتی، مقایسه ی دقیقی بین رابطه ی سبک های دفاعی با اضطراب، افسردگی و استرس در گروه های مختلف دارای تشخیص های روانپزشکی صورت گیرد. همچنین پیشنهاد می شود روابط مفروض در این پژوهش بین جمعیت های بالینی و بهنجار مورد مقایسه قرار بگیرد.

منابع

- آقایی، اصغر و آتش پور، حمید. (۱۳۸۰). *استرس و بهداشت روانی*. اصفهان: انتشارات پردژ.
- بشارت، محمدعلی. (۱۳۸۷). *نار سایی هیجانی و سبک های دفاعی*. *اصول بهداشت روانی*، ۱۰(۳)، ۱۹۰-۱۸۱.
- حیدری نسب، لیلا و شعیری، محمدرضا. (۱۳۹۰). *ساخت عاملی پرسشنامه ی سبک های دفاعی در نمونه های غیربالینی ایرانی*. *پژوهش های نوین روانشناختی*، ۶(۲۱)، ۹۷-۷۶.
- صاحبی، علی؛ اصغری، محمدجواد؛ و سالاری، راضیه سادات. (۱۳۸۴). *اعتباریابی مقیاس افسردگی، اضطراب و استرس (DASS-21) برای جمعیت ایرانی*. *فصلنامه ی روانشناسان ایرانی*، ۲۹۹(۴)، ۳۰۵-۲۹۹.
- دادستان، پریخ. (۱۳۹۰). *روانشناسی مرضی تحولی: از کودکی تا بزرگسالی*. تهران: انتشارات سمت.
- دیماثو، رابین. (۱۳۸۹). *روانشناسی سلامت*. ترجمه حامد کاویانی، سید مهدی موسوی اصل و محمد رضا سالاری فر. تهران: انتشارات سمت.
- سادوک، ویرجینیا آلکوت و سادوک، بنیامین جیمز. (۱۳۹۰). *خلاصه ی روانپزشکی*. ترجمه ی فرزین رضاعی. تهران: انتشارات ارجمند.
- شولتز، دوآن، شولتز، سیدنی لن. (۱۳۹۳). *نظریه های شخصیت*. ترجمه ی یحیی سید محمدی. تهران: نشر ویرایش.
- شوماخر، رندال. ای و لومکس، ریچارد. جی. (۱۳۸۸). *مقدمه ای بر مدل سازی معادله ساختاری*. ترجمه ی وحید قاسمی. تهران: جامعه شناسان.

فدل، ملانی. جی.و. (۱۳۸۹). افسردگی. در: کیت. هاتون؛ پال. م. سالکووس کیس؛ جوان. کرک و دیوید. م. کلارک؛ رفتاردرمانی شناختی، ترجمه ی حبیب الله قاسم زاده. اصفهان: انتشارات ارجمند.

فیرس، ای. جری، ترال، تیموتی. جی. (۱۳۹۲). روانشناسی بالینی، ترجمه ی مهرداد فیروزبخت. تهران: انتشارات رشد.

کچویی، محسن؛ پارسا، ویس و سویزی، رضا. (۱۳۹۳). بررسی مقایسه ای سبک های دفاعی و صفات شخصیتی در افراد غیرافسرده و افسرده ی مراجعه کننده به مراکز درمانی وابسته به دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی. *مجله علوم پزشکی دانشگاه آزاد اسلامی*، ۲۴(۳)، ۱۸۲-۱۸۸.

کری، جرال.د. (۱۳۹۱). *نظریه و کاربرست مشاوره و روان درمانی*، ترجمه ی یحیی سیدمحمدی. تهران: نشرارسباران.

نامجو، محدثه؛ کافی، سیدموسی؛ حکیم جوادی، منصور؛ غلامعلی لواسانی، مسعود و آتشکار، سیده رقیه. (۱۳۹۱). رابطه ی کمال گرایی، سبک های دفاعی و نشانه های افسردگی در دانشجویان. *پژوهش های روانشناسی بالینی و مشاوره*، ۲(۱)، ۷۶-۵۳.

هالچین، ریچارد. پی، ویتبورن، سوزان کراس. (۱۳۹۰). *آسیب شناسی روانی*. ترجمه ی یحیی سیدمحمدی. تهران: نشر روان.

American Psychiatric Association. (2013). *Diagnostic and statistical manual of mental disorders 5th ed.* Washington, DC: American Psychiatric Publishing

Andrews, G., Singh, M., & Bond, M. (1993). The defense style questionnaire. *Journal of Nervous and Mental Disease*, 181(4), 246-256.

Carr, A. (2005). *Positive psychology: The science of happiness and human strengths*. New York: Routledge.

Cramer, P. (2000). Defense Mechanisms in Psychology Today. *American Psychologist*, 55(6), 637-646.

Flett, G.L., Besser, A., & Hewitt, P.L (2005). Perfectionism, ego defense styles and depression: A comparison of self ° reports versus informant ratings, *Journal of Personality*, 73(5), 1355-1396.

Hay, P., & Williams, S.E. (2013). Exploring relationships over time between psychological distress, perceived stress, life events and immature defense style on disordered eating pathology. *BMC Psychology*, 1, 27, DOI: 10.1186/2050-7283-1-27.

پیش بینی اختلالات هیجانی براساس سبک های دفاعی در زنان مراجعه کننده به بخش روانشناسی ...

- DiCorcia, J.A., Sravish, A.V., & Tronick, E. (2012). The everyday stress resilience hypothesis: unfolding resilience from a perspective of everyday stress and coping. *Current Topics in Neurotoxicity*, 3, 67-93.
- King, A.C., Taylor, B., Albright, C.A., Haskell, W.A. (1990). The relationship between repressive and defensive coping styles and blood pressure responses in healthy, middle-aged men and women. *Journal of Psychosomatic Research*, 34(4), 461-471.
- Mark, G., & Smith, A.P. (2012). Occupational stress, job characteristics, coping and the mental health of nurses. *British Journal of Health Psychology*, 17(3), 505-521.
- Nicolas, M., Sandal, G.M., Weiss, K. & Yusupova, A. (2013). Mars-105 study: Time-courses and relationships between coping, defense mechanisms, emotions and depression. *Journal of Environmental Psychology*, 35, 52-58.
- Stanescu, C., & Morosanu, P. (2005). Neuroticism, ego defiance mechanisms and valoric Types: a correlative study. *Europe 's Journal of Psychology*, available from: <http://ejop.psychopen.eu/article/view/353/html>.

